

## تأثیر سامانه‌های موشکی ایالات متحده آمریکا بر امنیت نظامی ج.ا.ا

مهدی صیاد شیرازی<sup>۱</sup>، فرزاد محمدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷

### چکیده:

التهاب‌های فضای غرب آسیا، حضور نیروهای مداخله‌گر و استقرار سامانه‌های نوین نظامی از جمله موشک‌های بالستیک و دور ایستا و همچنین ایجاد فضای امنیتی خاص و تغییر رویکرد قدرت‌های بزرگ و برخی از کشورهای منطقه در قبال ایران بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، کشورمان به مسیری کشانده شده که جهت دفع تهدیدات احتمالی و تأمین امنیت نظامی خود در نظام منطقه‌ای و بین‌الملل به تقویت توان نظامی از جمله دفاع موشکی روی آورده است. چگونگی تأثیرگذاری سامانه‌های موشکی ایالات متحده بر امنیت نظامی ج.ا.ا بسیار مهم می‌باشد. در این پژوهش سعی شده که این تأثیر مورد کاوش و بررسی قرار گیرد و سؤال اصلی نیز بر حول این محور تعریف گردد. در قالب فرضیه و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تبیینی، می‌توان بیان نمود که گسترش قابلیت‌های موشکی ایالات متحده در منطقه، منجر به تحول راهبرد دفاعی-امنیتی ایران از بازدارندگی سرزمینی و مرزی به بازدارندگی فرامرزی شده است. بر این اساس، بررسی محیط آنارشیستیک منطقه، واکاوی راهبرد دفاعی و تبیین امنیت ملی ایران در قالب سیاست‌های نظامی و در نهایت تمرکز بر قدرت موشکی نیروهای مداخله‌گر فرا منطقه‌ای و تأثیر آن بر امنیت ملی بخش‌های اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهند.

**واژگان اصلی:** راهبرد دفاعی، سامانه‌های موشکی، منطقه غرب آسیا، بازدارندگی.

۱. دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

بحث امنیت مجهول جامعه امروزی می‌باشد و این مهم در منطقه ما که دارای مخاصمات دیرینه بین دولت‌های منطقه‌ای و بعضاً فرا منطقه‌ای که ریشه در تاریخ و کشورگشائی‌ها و جنگ‌های متمادی در طی قرون، جریانات سیاسی موجود منطقه‌ای و تشکیل رژیم غاصب صهیونیستی در سرزمین فلسطین آغاز گردید و با دخالت قدرت‌های مداخله‌گر روز بروز بر ابهامات و پیچیدگی‌های امنیتی آن افزوده شده است. پایان جنگ سرد<sup>۱</sup> شروع برداشتی نو از امنیت بود. صحنه بین‌الملل هر لحظه در حال تغییر و تحول است، قطعاً با تحولات نوین، مفهوم امنیت نیز شکل و مفهوم جدیدی به خود می‌گیرد و بسیار متفاوت از معنی و مفهوم سنتی خود ظاهر می‌گردد. امنیت که از همان آغاز به‌عنوان معمای اصلی بشر با او همزاد بوده است، بر اثر کارکرد نیروهای ژرف، شکل و محتوا و عوامل آن نیاز به چارچوبی نو دارد، چارچوبی که مرکز اصلی جدال بین دیدگاه‌ها و برداشت‌های گوناگون است و به بیانی دیگر جدال دیدگاه‌ها را در پهنه روابط بین‌الملل سبب شده است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۳). ایران از جمله معدود کشورهایی است که با تعدد همسایگان و قرارگیری در یک محیط استراتژیک، یک واحد سیاسی بین‌المللی ویژه با تهدیدات فراوان به شمار می‌رود؛ بنابراین در راهبرد امنیت نظامی خود با توجه به اتحادهای سیاسی و نظامی کشورهای منطقه با غرب و تنش سیاسی برخی از کشورهای غربی با آن بر سیاست بازدارندگی تأکید کرده و همواره سعی در افزایش قدرت بازدارندگی خود دارد. عمده‌ترین محور نگرانی‌های امنیتی ایران دفاع از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور است؛ بنابراین اقتدار نظامی ایران محدود به دفاع بوده و به‌نوعی دکترینی دفاعی را در دستور کار راهبرد بازدارندگی خود قرار داده است (پیرسلامی، ۱۳۹۶: ۵۲). امنیت ملی کشورهای منطقه تحت تأثیر متغیرهای بین‌المللی و منطقه‌ای که کانون‌های بحران محسوب می‌شوند همواره مورد تهدید قرار دارد. اصولاً بازدارندگی به دلیل محیط آناشیک سیستم بین‌الملل که در آن واحدها همیشه در معرض رفتارهای نامطلوب سایرین قرار دارند، امری رایج در سیاست خارجی و راهبردی کشورها محسوب می‌شود و هدف اصلی آن نیز جلوگیری از رخداد چنین رفتارهایی است. به دلیل ویژگی این مناطق، بازدارندگی در این حوزه بسیار حساس بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است، لذا بازدارندگی منطقه‌ای از بحث‌های تئوریک مهم در علم روابط بین‌الملل محسوب می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۸: ۸۱). سامانه‌های موشکی و دفاع موشکی بهترین موضوع در عصر جدید برای

کشورهای غرب آسیاست که از ناحیه قدرت‌های مداخله‌گر به‌عنوان ایده جدید امنیت به سوغات آورده شده است. سیستم دفاع موشکی یکی از ابزارهای کمکی در قالب تقویت بازدارندگی و باتوجه به استقرار زیاد سامانه‌های دور ایستا نیروهای آمریکایی از جمله سامانه‌های موشکی می‌باشد. یکی از دلایل گرایش به سمت سامانه‌های موشکی، «عدم توازن شیوه نبرد» و به‌صورت خاص شیوه نبرد نامتقارن کشورهای دارای ایدئولوژی که بر اساس اعتقادات خود می‌جنگند می‌باشد (البته میزان خسارت و تلفات بر روی زمین که ضربه‌پذیری آن بیشتر است، استفاده از فضا توسط هواپیماهای جنگنده و موشک‌های بالستیک و از راه دور کنترل‌شده را هم توجه می‌کند). موشک‌هایی که اهداف خود را تشخیص می‌دهند و پس از عبور از جو زمین و با سرعت مافوق صوت بر سر اهداف خود فرود می‌آیند، می‌توانند بسیار مؤثر واقع شوند.

### بیان مسئله

استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی در کشور عزیزمان توسط امام راحل (ره) و ادامه این راه بزرگ توسط مقام معظم رهبری و ارائه دکترین‌های مختلف بر اساس گفتمان اسلامی در زمینه‌های داخلی و خارجی، باعث گردیده که کشورهای استعمارگر فرا منطقه‌ای نتوانند حضور باثبات ایران در منطقه پرحادثه و بسیار استراتژیک غرب آسیا را بپذیرند و در این راستا سعی می‌کنند در تمامی زمینه‌ها، امنیت ملی و نظامی کشور را دچار مشکل و بحران نمایند. این اقدامات آن‌ها در تمامی رده‌های تکنیکی-تاکتیکی-عملیاتی و راهبردی در زمینه‌های سیاسی-نظامی-امنیتی-فرهنگی-اقتصادی و... صورت گرفته است. آنچه تاکنون مورد تأکید و تأیید تمامی کارشناسان نظامی و سیاسی قرار گرفته، این است که چگونه ج.ا.ا. توانسته با این حجم از تهدیدات و تنوع ماهیت در منطقه پرآشوب غرب آسیا به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر و امنیت نظامی خود را تأمین نماید و علاوه بر آن در امنیت منطقه‌ای نیز بسیار تأثیرگذار باشد.

روند بررسی و تحلیل رفتاری کشورمان در طول چند دهه اخیر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدات برون‌مرزی نشان می‌دهد که یکی از متغیرهای بسیار تأثیرگذار بر ثبات همه‌جانبه، نگاهی فراگیر و جامع به مباحث نظامی و امنیتی بوده است.

## سؤال اصلی

سامانه‌های موشکی ایالات متحده آمریکا چه تأثیری بر امنیت نظامی ج.ا.ا دارند؟ یا بهتر است این گونه بیان شود که چرا استقرار و استفاده سامانه‌های نیروهای فرا منطقه‌ای برای کشورمان مهم و حساس می‌باشد و این مهم چه تأثیراتی بر امنیت ملی ایران خواهد گذاشت؟

## روش تحقیق

روش تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش کیفی-توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابعی همچون اسناد، مقالات و پژوهش‌های دیگر می‌باشد.

## پیشینه تحقیق

بیشتر محققین بر این امر اتفاق نظر دارند که سامانه‌های موشکی در قالب بازدارندگی وجهه مثبت به خود می‌گیرند. برای نمونه سامانه‌های موشکی عنصرهای اصلی نظریه بازدارندگی‌اند و با تحول و تغییر در نقطه ثبات راهبردی نظام بین‌الملل و نظام‌های منطقه‌ای انواع جدیدی از بازدارندگی مانند بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده، مثلثی و شبکه‌ای نام می‌برند (قاسمی، ۱۳۹۰) و باز عده‌ای دیگر، در قالب بازدارندگی در فضای ملت‌های امنیتی و نظامی غرب آسیا، سامانه موشکی را تعریف نموده و تأثیر آن بر راهبرد بازدارندگی ج.ا.ا با توجه به توانمندی قدرت آمریکا و اسرائیل در مقابل ایران تعریف نموده‌اند و در نهایت دفاع موشکی را عملی غیرقابل اجتناب در زندگی و تأمین امنیت و پایداری و استحکام آنالیز کرده‌اند (قوام ملکی، ۱۳۹۰). در ادامه پژوهشی دیگر در راستای متحول شدن استراتژی و سرزمین در عصر موشک را بیان نموده و استراتژی جنگ زمینی را به مفهوم ثانوی تبدیل کرده است. در واقع «عمق استراتژیک» در مقابل موشک‌های قاره‌پیمای میان برد و سلاح‌های کشتار جمعی، معنای اولیه خود را ازدست داده است و نتیجه آن تغییر معنا و مفهوم امنیت است (کریمی، ۱۳۷۵). برخی دیگر با دادن آمار و اطلاعات نظامی، موازنه نظامی، سلاح‌های کشتار جمعی که بیشتر جنبه تطبیقی و مقایسه‌ای از جهت توانمندی و تنظیم موازنه قدرت و سلاح‌های کشتار جمعی بحث و بررسی نموده‌اند (کوردسمن، ۱۳۸۲).

برخی از پژوهش‌ها نیز که در تقابل با رویکرد بازدارندگی و دفاعی در جهت دستیابی به فناوری‌های موشکی پیشرفته، حفظ سامانه‌های موشکی را مهم‌ترین اهداف هر ملت تعریف می‌نماید،

طراحی سایت‌های موشکی و سکوه‌های پرتاب سیلویی به شیوه دفاع غیرعامل (مانند مکان‌یابی سایت، استتار، اختفاء، فریب، پراکندگی، مقاوم‌سازی و استحکامات) که باعث کاهش آسیب‌پذیری تأسیسات، تجهیزات و نیروی انسانی می‌گردد. به‌عنوان عوامل مهم در مقابله با تهدیدات در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است (سوادکوهی فر، خیراندیش، ۱۳۹۰). در ادامه به برخی از واژگان بسیار کاربردی در تحقیق‌های بیان‌شده، اشاره و شرح مختصری در مورد آن‌ها ارائه می‌شود. امنیت ملی، یکی از همان واژگان است که دارای وجوه چندگانه می‌باشد. به همین خاطر تعاریف گوناگونی از آن داده شده است. مقوله کلی امنیت را می‌توان به احساس آزادی و رهایی از ترس یا "احساس ایمنی" که ناظر بر امنیت مادی و روانی است اطلاق کرد که در آن صورت موجب استقلال رأی یک ملت و دولت گشته و توانایی مقابله با دخالت بیگانگان و نیروهای خارجی را در امور داخلی خواهد داشت. دو نوع رهیافت از امنیت ملی وجود دارد. الف) رهیافت سستی، ب) رهیافت جدید. واژه دیگر استراتژی می‌باشد که در سلسله‌مراتب مفهومی، استراتژی را طرح و برنامه جامع برای رسیدن به هدفی خاص تعریف می‌نمایند (صائبی، ۱۳۷۶: ۱۲). بر این اساس، تدوین هرگونه استراتژی باید در راستای اهدافی مشخص و مبتنی بر سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اساسی صورت گیرد. استراتژی دفاعی یکی از ارکان مهم و زی مجموعه استراتژی ملی یک کشور است و در ذیل سیاست‌های کلان دفاعی و امنیتی قرار می‌گیرد. امنیت منطقه‌ای نیز جزو واژگان پرکاربرد می‌باشد، در یک نگاه کلی می‌توان امنیت منطقه‌ای را مجموعه تمام تصورات و تعبیرات از امنیت ملی دانست، که اعضای یک سیستم منطقه‌ای در زمانی خاص آن را به کار می‌برند. این تصور و تعبیر به‌طور معکوس با روش‌هایی درهم‌آمیخته است که حکومت‌های یک منطقه در زمانی خاص از آن برای تضمین استقلال و برخورد با تهدیدات داخلی بهره می‌گیرند. بر این اساس، امنیت یا ناامنی منطقه‌ای می‌تواند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی، نهادها و اتحادیه‌های جمعی به دست آیند. امنیت منطقه‌ای عاملی متغیر شده است که می‌توان آن را در دوره‌های زمانی و مناطق گوناگون فرض کرد. حد یا سطح امنیت منطقه‌ای در هر زمان با سه خصلت ذیل مشخص می‌شود:

۱- شدت و اهمیت کشمکش‌های داخلی و خارجی با اعضای منطقه.

۲- سطح و میزان منابع و نیروی انسانی در مسائل نظامی و امنیت در درگیری با اعضای منطقه.

۳- حد و سطح توافقات امنیتی و دیگر نهادهای امنیت جمعی در ارتباط با اعضای دیگر منطقه

(کریمی، ۱۳۸۰: ۵۱-۵۰).

## چارچوب نظری

تاریخ پرتنش سیاسی و نظامی کمر بند آشوب<sup>۱</sup> غرب آسیا، پُر است از اتفاقاتی که قریب به ۸۰ درصد آن را قدرت‌های سیطره جو زمینه‌سازی کرده‌اند. متأسفانه بایستی اقرار کرد که بعضاً عامل بسیاری از نفوذهای مداخله‌گران از ناحیه واحدهای منطقه‌ای بوده است، که مجذوب بازی‌های نوظهور و نوپای آنان شده‌اند. کشور ایالات متحده که آن را بانام "شیطان بزرگ" می‌شناسیم، به شیوه‌های گوناگون حضور خود را در منطقه تثبیت کرده است مانند دعوت‌نامه‌های رسمی ارسال شده توسط واحدهای منطقه‌ای و یا گاهی با حرکت‌های نابخردانه آن واحدها از جمله رژیم صدام و... . این کشور دراز دست نیز پس از حملات ۱۱ سپتامبر و با حمله به عراق و افغانستان، بهانه لازم را برای حضور و استقرار پایگاه‌های نظامی و کنترل منطقه به دست آورد، آنچه در اینجا مغفول مانده است امنیت نظامی در سطح منطقه بود. سیاست‌گذاران و نخبگان سیاسی ایالات متحده می‌کوشند دوران تازه‌ای در جهان سیاست و ژئوپلیتیک به وجود آورند، در این بین منطقه خلیج فارس در صدر تفکرات و سیاست‌گذاری‌های آنان قرار دارد، به طوری که با تهاجم به عراق و سرنگونی صدام حلقه نفوذ آمریکا در منطقه تکمیل شده است. این در حالی است که کشورهای منطقه هنوز به طور جدی به تفکر در مورد ائتلاف و هم‌گرایی منطقه‌ای و ترسیم سیستم امنیت دسته‌جمعی نزدیک نشده‌اند (فروغی نیا، ۱۳۸۲: ۱۰۷). باتمامی این اوصاف در منطقه غرب آسیا روابط کشورهای منطقه به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱- گروهی از کشورها بر اساس عقل و منطق و منافع خود عمل می‌کنند که جزء گروه کشورهای تأثیرگذار و بعضاً مستقل و خواهان امنیت و ثبات از طریق تعامل با کشورهای منطقه، به‌دوراز مداخلات بین‌المللی می‌باشند مثل ایران و سوریه.

۲- گروه دیگر از کشورها همسویی با مداخله‌گر و شاید وابستگی را رمز موفقیت و رسیدن به منافع و تضمین‌کننده امنیت و ثبات می‌دانند. مثل ترکیه و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و رژیم غاصب صهیونیستی.

در این میان قدرت برتر و مداخله‌گر، صحنه غرب آسیا را بر اساس یک زمین‌بازی فوتبال طراحی نموده و برای محدود کردن بازیکنان تأثیرگذار، یاران (متحدان) خود را مهره چینی می‌نماید.

<sup>1</sup> Belt chaos

زمین‌بازی به درازای کل غرب آسیا است و بازیکنان آن، به چند دسته (واحد) تقسیم می‌شوند: ۱- واحدهای قدرتمند منطقه ۲- واحدهای متوسط و ضعیف و بعضاً کوتوله و ذره‌بینی ۳- قدرت مداخله‌گر که صحنه‌سازی می‌نماید.

بر همین اساس ایران انقلابی، ترکیه، عربستان و مصر قدرت‌های منطقه‌ای می‌باشند و بقیه واحدهای منطقه را نیز می‌توان در زمره کشورهای متوسط و ضعیف و ذره‌بینی تقسیم‌بندی نمود و در نهایت قدرت هژمون<sup>۱</sup> و فرا منطقه‌ای راهم کشور ایالات متحده دانست. شیوه محدودسازی قدرت سیطره جو و مداخله‌گر برای کنترل واحدهای معارض در منطقه، سامانه موشکی است که جزو تجهیزات مؤثر و هوشمند فضاپایه می‌باشد. شاید یکی از دلایل گرایش بلوک غرب به سمت سامانه‌های موشکی، «عدم توازن شیوه نبرد» و به صورت خاص شیوه نبرد نامتقارن کشورهای دارای ایدئولوژی که بر اساس اعتقادات خود می‌جنگند و همچنین میزان خسارت و تلفات بر روی زمین باشد، که به‌جای ضربه‌پذیری بر روی زمین، استفاده از فضا توسط هواپیماهای جنگنده و موشک‌های بالستیک و کنترل‌شده از راه دور، این نقیصه را جبران می‌نماید. در حقیقت برخی از واحدهای موجود در این گستره نقش نیابتی قدرت هژمون یعنی آمریکا را بر عهده‌دارند و برخی از واحدها نیز با بهره‌گیری و اتخاذ سیاست همنازی به افزایش قدرت خود می‌پردازند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۸). برخی حوادث و سناریوهای فرضی آینده، مفهوم نوین بازدارندگی غیرمستقیم یا بازدارندگی از طریق ضربه دوم و مثلی را مطرح کرده است. در این نوع بازدارندگی، قدرت منطقه‌ای که به سبب ناتوانی تکنولوژیکی قادر به مقابله با تهدیدهای مستقیم قدرت بزرگ نیست، تلاش می‌کند با تهدید به وارد ساختن همسایگان و دولت‌های نزدیک در حوزه ضربات خود، با آن مقابله کند. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۶۵) که این امر می‌تواند یک‌راه حل مناسب برای دفع خطر باشد. یکی از متغیرهای مؤثر، سیستم دفاع موشکی است که می‌تواند تأثیر مستقیمی بر ثبات و بی‌ثباتی منطقه غرب آسیا بگذارد.

الگوی مهار و محدودسازی استراتژیک به‌عنوان شکلی از بازدارندگی اقتصادی، حقوقی و صنعتی محسوب می‌شود. کشورهای جهان غرب به‌موازات فعالیت‌های سیاسی تلاش دارند تا محدودیت‌های استراتژیک را برای ایران اعمال نمایند. به‌طور کلی اگر کشورهایی که در حوزه کمربند شکننده قرار دارند در شرایط قدرت استراتژیک قرار بگیرند، در آن وضعیت تغییر در موازنه قدرت امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود الگوی مهار و محدودسازی استراتژیک را اولین بار آمریکا علیه اتحاد

<sup>1</sup> hegemon

جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۷ استفاده کرد از این مقطع زمانی به بعد «استراتژی سد نفوذ»<sup>۱</sup> محور تعامل آمریکا-اتحاد شوروی قرار گرفت. چنین روندی در دوران بعد از جنگ سرد متوجه ایران گردیده است و علت آن را می‌توان تغییر در معادله قدرت دانست (متقی، ۱۳۸۸: ۱۹). در حال حاضر در منطقه غرب آسیا به این جهت که قدرت ایران افزایش یافته، بیشتر فشارها بر روی آن است و قدرت مداخله‌گر به همراه کشورهای منطقه در صدد کنترل ایران و رسیدن به توازن قدرت می‌باشد. به صورت طبیعی منطقه‌ای که به نام خاورمیانه و یا به عبارتی جهان اسلام و در ادبیات دقیق، غرب آسیا معروف است، دارای چهار موضوع کلیدی است که راهبرد نظام سلطه خصوصاً آمریکا حول محور این چهار موضوع کلیدی شکل گرفته است. این ۴ موضوع اسلام، انرژی، ژئوپلیتیک و امنیت رژیم صهیونیستی است و یا در مفهوم کلی، امنیت نظام‌های متحد آمریکا و وابسته به او در جهان است. این ۴ موضوع اساسی پیکره‌بندی و اسکلت اصلی راهبردهای آمریکا را در این منطقه شکل داده است. شکست‌های استراتژیک آمریکا حول این چهار هدف کلیدی عامل تغییر و چرخش سیاست‌های آمریکا در مناطق گوناگون غرب آسیا و جهان اسلام شده است (سلامی، ۱۳۹۲). اتحاد راهبردی واشنگتن با کشورهای عربی همسایه ج.ا.ا حرکتی نظامی و بازدارنده تلقی می‌شود و این نخستین بار است که آمریکا و اعراب، حلقه تصمیم‌سازی مشترک در قالب اتحاد راهبردی تشکیل داده‌اند. البته در گذشته نیز تهدیدها و سازوکارهای مختلفی با رویکرد ضد ایرانی از سوی آمریکایی‌ها و دیگر کشورهای عربی در منطقه به کار گرفته شده است. آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند که مشکل عمده در غرب آسیا فقدان دموکراسی نیست بلکه مشکل اساسی نفوذ برخی بازیگران منطقه‌ای است (قربانی، ۱۳۹۱: ۱۷).

با توجه به معادله دفاع-تهاجم در سیستم‌های منطقه‌ای، آمریکا به دلیل محدود بودن به فشارهای ساختاری و جایگاه آن در ساختار قدرت جهانی و حوزه‌های استراتژیک مربوطه، در استراتژی‌های سیاست خارجی به "تهاجم" مزیت بخشیده است، به همین جهت الگوهای رفتاری آن در امور منطقه‌ای بر عناصر زیر تأکید دارد:

۱- الگوی رفتاری توسعه‌طلبانه

۲- ضربه نخست

۳- دیپلماسی مخاطره‌آمیز

<sup>1</sup> Containment Strategy

## ۴- پنهان‌کاری

۵- عدم تمایل به مذاکرات (قاسمی، ۱۳۹۰ ب، ۴۱۸).

با توجه به معادله دفاع-تهاجم ایران، ساخت کلی سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی از نوع "دفاعی" است. در این راستا و بر پایه الزامات تئوریک، ایران سه نوع بازی دفاعی در اختیار خواهد داشت:

۱- استراتژی بازدارندگی متعارف دفاعی

۲- بازدارندگی غیرمستقیم

۳- بازدارندگی شبکه‌ای

در حوزه بازدارندگی، سیستم متعارف دفاعی ایران به چند دلیل دارای مزیت خواهد بود: عناصر موجود در معادله دفاع-تهاجم تشویق‌کننده دفاع است، همچنین محیط خارجی ایران ناآرام بوده و افزایش سطح تنش در این محیط مطلوب ایران نخواهد بود (بختیاری، ۱۳۹۷: ۲۶۴). دو رویکرد اساسی در امنیت ملی وجود دارد: ۱- رویکرد سستی یا کلاسیک ۲- رویکرد نرم‌افزاری نوین.

رویکرد سستی که بدان رویکرد سخت‌افزاری هم می‌گویند برخاسته از مکتب واقع‌گرایی سیاسی است که سیاست را به‌مثابه جنگ قدرت می‌پندارد و از نظر تاریخی با الهام از نظام دولت-ملت به نقش مسلط دولت ملی اعتقاد دارد و آن را عامل اصلی تأمین امنیت ملی می‌داند. برخلاف رویکرد اول در رویکرد نرم‌افزاری ضمن توجه به بعد نظامی بر نقش عوامل داخلی شامل اقتصادی، زیست‌محیطی، دانش، عوامل کارآمدی و ناکارآمدی و... تأکید می‌شود. با توجه به موارد بیان‌شده، جمهوری اسلامی ایران در تعیین دولت‌های دشمن معیارهای ذیل را مورد توجه قرار داده است:

- دولت‌هایی که براندازی حاکمیت ج.ا.ی یکی از اهداف و دغدغه‌های آنان است.

- دولت‌هایی که از کشور ایران متنفرند و برای نابودی آن به‌صورت نظام‌مند تلاش می‌کنند.

- دولت‌هایی که حذف و نابودی شیعیان را در برنامه اصلی خود گنجانده‌اند.

- دولت‌هایی که دنبال تجزیه سرزمینی ایران می‌باشند.

- دولت‌های غیرمسلمانی که به‌زور سرزمین‌های اسلامی را غصب و مسلمانان آن دیار را به‌صورت سیستماتیک قتل‌عام کنند.

پس می‌توان تهدیدات امنیتی ج.ا.ی را به ۶ دسته تقسیم کرد و دکترین دفاعی را بر اساس آن‌ها

طراحی نمود:

۱- تهدیدات امنیتی-عمومی

۲- تهدیدات بازدارنده-خزننده

۳- تهدیدات سخت-نرم

۴- تهدیدات سنتی-نوین

۵- تهدیدات متقارن-نامتقارن

۶- تهدیدات طبیعی-ساختگی (نبوی، اژپری، ۱۳۹۲: ۵۷)

### مدل تهدیدات نظامی در امنیت منطقه‌ای

محیط آنا‌رشی بین‌المللی و منطقه‌ای باعث شکل‌گیری سیستم‌های امنیتی مستقل و به‌دوراز‌نظم خاصی می‌شود که می‌توان سیستم‌های امنیتی فردگرایانه را در این گزینه گنجانند. جهان قابل‌درک کنونی هنوز هم بر اساس دولت‌محوری، بقا و خودیاری، قدرت؛ که برگرفته از سه اصل واقع‌گرایی است، استوار می‌باشد. این مطلب گویای این است که رسیدن به صلح و رفاه و آسایش جز از طریق دستیابی به قدرت امکان‌پذیر نمی‌باشد. کم‌رنگ شدن نقش سازمان‌های بین‌المللی از شاخصه‌های اصلی این نوع سیستم جهانی است. در واقع این دولت‌ها هستند که مسئولیت محیط پیرامونی خود و حفظ امنیت شهروندان (امنیت ملی) را به عهده‌دارند. نقش دولت‌ها یک نقش مستقل در نظامی است که اساس شکل‌گیری آن بر قدرت استوار است. اصل قدرت در جهت نیل به جایگاه مناسب بین‌المللی، داشتن قدرت و رقابت نظامی است. زیرا در واقع‌گرایی، داشتن قدرت و اقتدار برتر باعث حضور پررنگ‌تر در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی است و این یعنی جایگاه مناسب و مطمئن در نظام بین‌الملل، هر نوع رفتار دولت تأثیرگذار، از جانب طرف مقابل در دو قالب توازن قوا و بازدارندگی تفسیر می‌شود. در فضای واقع‌گرایی جدید داشتن "توانایی در انجام مأموریت استراتژیک" بسیار حائز اهمیت و عامل بازدارندگی است.

مأموریت استراتژیک مأموریتی است که بر علیه یک یا بیش از یک سری اهداف دشمن باهدف انهدام نهایی و فروپاشی ظرفیت رزمی دشمن و اراده‌اش برای جنگیدن انجام می‌شود. هدف‌ها شامل سیستم‌های کلیدی ساخت، منابع مواد خام، مواد حساس، انبارهای ذخیره، سیستم‌های نیرو، سیستم‌های حمل‌ونقل، تسهیلات ارتباطی و سایر سیستم‌های مشابه است. در جنگ جهانی دوم ناوگان زیردریایی ایالات متحده و آلمان و نیروهای بمب‌انداز آمریکایی و بریتانیایی بیشتر مأموریت‌های استراتژیک داشتند تا تاکتیک. در عصر موشک‌های مدرن مأموریت استراتژیک می‌تواند

شامل انهدام تسلیحات استراتژیک در سناریوهای خاص نیز بشود. مأموریتی که هدف آن مثلاً انهدام کامل موشک‌ها در محل‌های استقرار آن‌ها باشد. (روشندل، ۱۳۷۲: ۴۵) سامانه‌های موشکی یکی از ابزارهای راهبردی بازدارندگی محسوب می‌شوند و از همان ابتدا نیز این دو به‌عنوان مکمل یکدیگر عمل می‌نموده‌اند. در بازدارندگی، توانایی تهدید با توانایی اعمال تهدید با یکدیگر گره‌خورده‌اند. (قاسمی، ۱۳۹۰ الف: ۲۰۷) کالین گری معتقد است: نبود سلاح و حذف کامل سلاح‌های موجود، عامل تضمین‌کننده صلح نیست، بلکه وجود این تسلیحات و برابری توانمندی نظامی و تسلیحاتی کشورهاست که موجد ثبات در وضعیت موجود و جلوگیری از بروز جنگ و بی‌نظمی خواهد شد (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۰۵). تغییر در توازن دفاع - تهاجم تأثیر قابل ملاحظه‌ای در بروز جنگ و بی‌نظمی در سیستم بین‌الملل دارد، عواملی که سهولت عملیات تهاجمی را افزایش داده و یا هزینه چنین عملیات‌هایی را نسبت به عملیات‌های دفاعی کاهش می‌دهد، سبب افزایش احتمال جنگ و بحران خواهند شد، اصولاً ماهیت آناژنی و خودیاری سیستم بین‌الملل سبب می‌شود که دولت‌ها صرفاً به نیات و مقاصد رقبای بالقوه اطمینان ننمایند و بیشتر مقاصد را از توانایی‌ها استنتاج کنند. زمانی که تهاجم برتری دارد، رفتارها نیز تهاجمی خواهد شد. و زمانی که دفاع برتری یابد، دولت‌ها کمتر در مورد مقاصد رقبای نگران می‌باشند. و بنابراین تعارضات ناشی از ترس کمتر خواهد بود (قاسمی، ۱۳۹۰ ب: ۱۱۸). نظم سیستمی زمانی حفظ خواهد شد که رهبران دریابند حریفان بالقوه آن‌ها در صورت رخداد رفتار نامطلوب، توان و اراده تلافی را خواهند داشت. بنابراین در پاسخ به تجاوز بالقوه، استراتژیست‌ها باید با افزایش توانایی نظامی و نشان دادن اراده تلافی، تهدیدات بازدارنده را تقویت نمایند (قاسمی، ۱۳۸۸: ۵۹). از این مطالب این‌گونه فهم می‌شود، که ابزار نظامی و تجهیزات پیشرفته دفاعی و تهاجمی، همانند کفه ترازو عمل می‌کند که دارای یک نقطه کانونی است حفظ نقطه کانونی و تعادلی رمز موفقیت و تأثیرگذاری بیشتر در محدوده عمل است. که در اکثر مواقع باعث کنترل شرایط بحرانی و بروز جنگ و پیشبرد خواسته‌ها و اراده‌ها و موجب تأثیرگذاری بیشتر در منطقه و حتی صحنه بین‌الملل خواهد بود. لیبر<sup>۱</sup> می‌گوید: "تکنولوژی نظامی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر معادله دفاع - تهاجم به شمار می‌آید" بدین ترتیب بر اساس این نظریه، صرف توانایی‌ها و نحوه توزیع آن نمی‌تواند جدیت معمای امنیتی را در سیستم بین‌الملل نشان دهد، پی بردن به این موضوع مستلزم توجه به معادله دفاع - تهاجم خواهد بود. و در این میان تکنولوژی نظامی و نوع دفاعی -

<sup>۱</sup>- lieber

تهاجمی آن از جمله مهم‌ترین متغیرها محسوب می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۰ ب: ۱۱۹).

### قابلیت‌های موشک‌ها و کارکرد آنها از نظر ایالات متحده بر اساس اهداف

از شاخصه‌های اصلی برخی از سلاح‌ها که باعث تغییرات مختلفی در نوع جنگیدن با حداقل تلفات نیروهای خودی و حداکثر تلفات نیروهای دشمن قابل شناسایی است، موشک می‌باشد. ورود نوعی از سلاح‌های هوشمند و خودکار فضاپایه در سیستم‌های دفاعی قدرت‌های بزرگ، موشک‌هایی است که در نبردهای دوربرد و به صورت دقیق در کنار حسگرها و سامانه‌های کنترل و در نهایت با عبور از جو زمین و به صورت خودکار هدف را مورد شناسایی قرار داده و به آن اصابت می‌کند. یک موشک از اجزا مختلفی تشکیل شده است. موشک‌های امروزی یا یک پیکانه‌اند و یا چند پیکانه، چند پیکانه‌ها در بازگشت به زمین دهانه آن‌ها باز شده و چند پیکان که تعداد آن‌ها در موشک‌های مختلف متفاوت است (یک، سه و پنج و الی آخر) کلاهک اتمی از آن‌ها جدا شده و به زمین اصابت می‌کند. آخرین قسمتی که از موشک به هدف اصابت می‌کند "سر جنگی" است. که بسیار مهم و باارزش است. به طور اجمال از بین تمامی موشک‌های نسل جدید، کشورها به موشک‌های بالستیک و کروز علاقه بیشتری نشان می‌دهند. چرا به بعضی از موشک‌ها بالستیک و یا به بعضی دیگر کروز می‌گویند؟ بالستیک شلیک در زاویه ۴۵ درجه می‌باشد یعنی اینکه حرکت در مسیر منحنی و سپس اصابت به هدف، اما موشک کروز پس از شلیک و خشی کردن نیروی جاذبه بر روی سطح بازگشته و در سطح و ارتفاع پایین به مسیر خود ادامه می‌دهد تا به هدف اصابت نماید.

موشک‌های کروز که در مذاکرات سالت ۲ مورد اعتراض شدید شوروی قرار گرفت، (نوعی از) موشک است که ۶ متر طول دارد و ۳۳۰۰ کیلومتر را در ارتفاع کمتر از ۱۵۰ متر و با سرعتی معادل ۶۰۰ کیلومتر در ساعت طی می‌کند. این موشک قادر است کلاهک هسته‌ای را در فاصله ۳۰ متری زمین به روی هدف برساند. از مزایای این موشک این است که بر روی صفحه رادار معمولاً قابل تشخیص نیست. این موشک در واقع یک هواپیمای جت خودکار است که مجهز به موتور جت پرقدرت و سیستم هدایت شونده است. (روشندل، ۱۳۷۲: ۴۱)

<sup>۱</sup>- Warhead

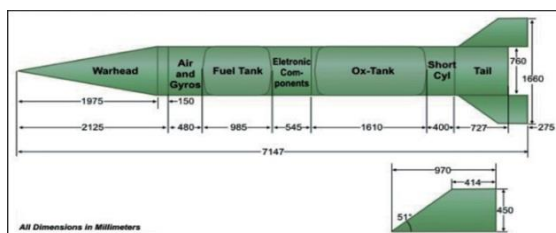
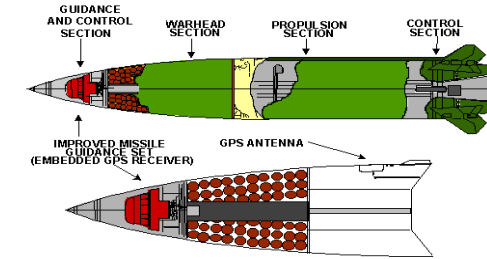


Figure 1. Al Samud II diagram.



### ساختمان موشک

بالستیک از واژه بالین<sup>۱</sup> یونانی به معنای پرتاب کردن گرفته شده است. (اما) این در آثار استراتژیک معاصر معمولاً در پیوند با موشک به کار می‌رود، مانند موشک بالستیک میان‌قاره‌ای<sup>۲</sup> و یا موشک بالستیک قابل پرتاب از زیردریایی<sup>۳</sup>. در تعریف موشک بالستیک گفته می‌شود که «موشکی است که یک منحنی بالستیکی را تا زمانی که سوخت آن پایان می‌یابد طی می‌کند و ممکن است بخشی از این خط سیر در خارج از جو زمین باشد».... در واقع، بیشتر موشک‌های بالستیک به سرعت از جو زمین عبور می‌کنند و شتاب جاذبه را برای ورود مجدد انباشت می‌سازند. موشک‌های بالستیک خودکار و دارای سکوی پرتاب هدایت‌شونده‌اند. زمان پرواز، که ممکن است بخشی یا تمام آن در خارج از جو زمین باشد، از چند دقیقه برای سیستم‌های تاکتیکی کوتاه برد تا حدود سی دقیقه برای موشک‌های میان‌قاره‌ای در نوسان است. پیش از پرتاب، مختصات هدف و نقطه پرتاب وارد صفحه رایانه‌ای موشک می‌شود. و سیستم هدایت و کنترل با استفاده از اطلاعات لازم، جهت‌یابی و موشک را هدایت می‌کند، به طوری که ضربت نهایی کلاهک دارای برد سرعت مناسب برای رسیدن به هدف می‌شود. یک موشک بالستیک می‌تواند مسافتی به طول یک هزار کیلومتر در زمانی حدود ۱۰ دقیقه طی کند (کرمی، ۱۳۷۵: ۴۰-۳۹).

1- ballen

2- ICBM

3- SLBM

ارزش نظامی موشک‌ها در مواردی چون برد، سرعت، شتاب، قدرت تخریب، عدم امکان دفاع مؤثر، قابلیت حمل کلاهک‌های نامتعارف و برخی امتیازات فنی و مالی خلاصه می‌شود..... موشک‌های بالستیک می‌توانند بردهای مختلفی داشته باشند، و اهداف خاصی را هدف قرار دهند، از بزرگ‌ترین مزایای این موشک‌ها برد نسبتاً زیاد آن‌هاست. این موشک‌ها که دارای انواع کوتاه برد (تا حدود ۱۲۰۰ کیلومتر)، برد متوسط (از حدود ۱۲۰۰ کیلومتر تا نزدیک ۲۸۰۰ کیلومتر)، میان برد (از حدود ۲۸۰۰ تا بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر) و دوربرد یا قاره‌پیما (بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر) هستند، می‌توانند تهدیدات جدی برای دشمنان بالقوه و بالفعل ایجاد کنند و علیه اهداف نظامی و غیرنظامی به کار گرفته شوند. (قوام ملکی، ۱۳۹۰: ۹۹)

دور کردن خطر و رهایی از تهدید اولین گزینه‌ای است که واحدها در توجیه دست یافتن به تجهیزات موشکی و سیستم دفاع راهبردی و استراتژیک به آن متوسل می‌شوند در واقع سامانه‌های موشکی عاملی بسیار مهم در بازدارنده نگهداشتن و نامعتبر ساختن بروز و ظهور تهدید قدیمی و جدید است. کشورهای "ناهمطراز" از جنس قدرت نظامی تلاش می‌کنند خود را در وضعیت متعادل‌تری در بازدارندگی منطقه‌ای نگاه‌دارند و جایگاه مناسب‌تری از جهت استحکام با پایه‌های پولادین و بادوام در نظام منطقه‌ای برای خود بسازند که با هر گردبادی به این طرف و آن طرف اصابت نکنند. همچنین اگر قدرت مداخله‌گر نتواند به هر دلیلی برتری خود را در منطقه ثابت نماید سعی می‌کند با هر ابزار یا شیوه‌ای، نقاطی از اهداف کشور مزاحم را مورد تهدید نظامی قرار دهد. در این حالت است که بسیاری از واحدهای منطقه رساندن توانایی خود به بازدارندگی مثلی را عاملی در جهت تقویت بازدارندگی خود تعبیر می‌کنند، یعنی در واقع به صورت فعال و تأثیرگذار در صحنه بین‌الملل خود را نشان می‌دهند. شاید داشتن سیستم موشکی یک نوع ابهت به دارنده آن و جنبه پرستیژی نیز داشته باشد اما آنچه روشن است لزوم رسیدن به نقطه تعادلی در محیط بازدارندگی است.

برخی از کارکردهای سامانه موشکی در بازدارندگی منطقه‌ای به شرح زیر می‌باشد:

۱- دستیابی به تأسیسات و نقاط حساس چالش‌گران منطقه‌ای و هدف‌گیری آن‌ها و در نتیجه، اعمال تهدید در شکل کنش راهبردی چالش‌گر و در نتیجه، اعمال تهدید در قالب تلافی گسترده یا پاسخ انعطاف‌پذیر علیه آن.

۲- دستیابی به نقاط راهبردی یعنی متحدان منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر توسط قدرت چالش‌گر منطقه‌ای (به منظور امکان‌پذیری بازدارندگی مثلی)

۳- معتبر ساختن بازدارندگی شبکه‌ای منطقه‌ای از طریق ممکن ساختن وپایش (کنترل) بر فرایندهای باز خورانی بین اجزای شبکه منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای (قاسمی، ۱۳۹۰ الف: ۲۰۴).

واقعیت‌هایی (نیز) در صحنه (منطقه‌ای) وجود دارد که بر تعاملات اثر می‌گذارد. مثل اینکه جوهر و مبنای نگرشی ما به مبانی امنیتی با دیگر کشورها و قدرت‌های منطقه متفاوت است. مبنای اصلی ما در نگرش مان به ترتیبات امنیتی یک مبنای ایدئولوژیک است. و این امر ممکن است. برای دیگر قدرت‌ها پذیرفته نشود. مثلاً عربستان اگرچه برای شکست ایران در جنگ عراق ۳۰ میلیارد دلار هزینه کرد، اما اکنون حاضر است بسیار بیشتر هزینه کند تا تفکر شیعه در لبنان (و یا سوریه و غیره) و جهان عرب به پیروزی نرسد. با توجه به وجود این تضادها در سطح کشورهای منطقه، الگوی موازنه مناسب‌ترین الگو است زیرا در مدل موازنه ماهیت وجودی قدرت‌ها به رسمیت شناخته می‌شود و طرفین ظرفیت‌ها، قدرت و توان یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند. آنچه در این الگو ریشه تعامل است شوق به همزیستی مسالمت‌آمیز نیست بلکه نگرانی از فنا و تهدید متقابل است که عنصر اصلی این موضوع بازدارندگی است. بازدارندگی تمهید شرایط و ابزاری است که بدون به‌کارگیری زور نظامی، دشمن را از ورود به عرصه متنازع منصرف کند ([www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)). سامانه‌های موشکی، در تلاقی دو نوع بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده اعمالی از سوی قدرت‌های مداخله‌گر و بازدارندگی مثلثی اعمالی از سوی قدرت‌های منطقه‌ای تعریف خواهد شد. در این میان، بازدارندگی وضعیتی نخواهد بود که واحدها به گونه داوطلبانه خود را در آن محبوس نمایند. در حقیقت می‌توان بازدارندگی را به قفسی تشبیه نمود، که واحدها در آن گرفتار خواهند شد. بنابراین به دنبال راه و روش‌هایی خواهند بود، که از این وضعیت رهایی یابند. (در نتیجه) می‌توان وضعیت بازدارندگی را وضعیتی ناپایدار تصور نمود، که هر لحظه احتمال فروپاشی آن وجود دارد. سامانه‌های دفاع راهبردی موشکی از جمله سامانه‌هایی است که واحدها برای رهایی از تهدیدهای مندرج در بازدارندگی به آن متوسل می‌شوند. (قاسمی، ۱۳۹۰ الف: ۲۰۴) در سال ۱۷۵۹ یک ژنرال انگلیسی به نام جیمز ولف<sup>۱</sup> هنگام بازدید از دژ عظیم فرانسه در کبک<sup>۲</sup> اظهار کرد که «جنگ انتخاب دشواری‌هاست» سخنان او هنوز هم به‌عنوان حقیقتی روشن در گوش انسان‌ها طنین‌انداز است (مکنزی، ۱۳۸۲: ۱۳۷). همیشه ممکن است که شرایط به نفع یک کشور نباشد و ممکن است در زمان تهاجم دشمن، از بین گزینه‌های مختلف دشوارترین آن‌ها که حمله به

1- James Wolf

2- Quebec

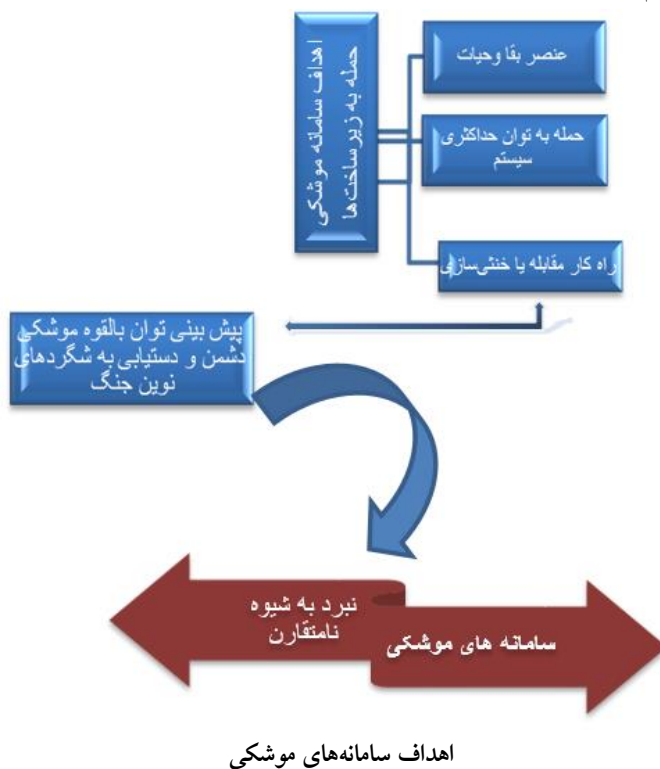
زیرساخت‌ها و نقاط جمعیتی یک کشور است را در جهت شکستن اراده آن کشور برگزیند. بر اساس اصل بنیادین بازدارندگی سستی هسته‌ای، یعنی اعمال تهدید از طریق اصل تلافی گسترده و تهدید معتبر، سامانه‌های موشکی دارای دو کارکرد مهم زیر خواهند بود:

۱- دستیابی به تأسیسات و نقاط جمعیتی دشمن و در نتیجه، ممکن ساختن اصل تلافی گسترده و تخریب جمعی.

۲- ناممکن ساختن اصل تلافی و اعمال تهدید از دشمن.

که در حوزه بازدارندگی، با در نظر گرفتن واحدها از یک سو دستیابی به آن‌ها، کارکرد تهاجمی و تخریب جمعی داشته و از سوی دیگر می‌تواند مانعی برای چنین تخریبی از سوی طرف مقابل محسوب شود (قاسمی، ۱۳۹۰، الف: ۲۰۳).

اهداف دو کارکرد فوق مستقیماً زیرساخت‌های یک کشور را در نظر گرفته است. که توان و اراده کشور دیگر را دچار تزلزل نماید. که دارای سه گزینه می‌باشد. ۱- عنصر بقا ۲- از کار انداختن توان حداکثری سیستم ۳- پیش‌بینی توان بالقوه موشکی دشمن و شگردهای نوین جنگ. مطابق شکل زیر



توانایی و قدرت هنوز هم عاملی بسیار مهم در نظام آنارشیک توأم با پیچیدگی در عرصه بین‌المللی می‌باشد. تا هنگامی که قدرت در مفهوم کمی و کیفی آن هنوز عامل اصلی برای ایجاد فرایند رژیم‌های بین‌المللی است، اصول خودیاری و دفاع از خود مهم‌ترین اقدامات امنیتی و اعتمادآفرین به شمار می‌آیند.

سامانه‌های موشکی همواره باعث ایجاد تنش بین کشورها بود. برای نمونه، بحران موشک‌های بالستیک کوبا در سال ۱۹۶۲ که با تحویل موشک‌های دوربرد شوروی به کوبا، اتفاق افتاد و یا بحران تایوان در سال ۱۹۹۶ پس از انتخابات دموکراتیک که چین چندین موشک بالستیک به خطوط کشتیرانی نزدیک تایوان شلیک کرد. در سال ۱۹۷۵ ایالات متحده آمریکا نخستین سیستم دفاع موشکی خود را بانام سیف‌گارد<sup>۱</sup> در داکوتای شمالی ایجاد کرد. با به کار بردن کلاهک هسته‌ای کوچک در آن، نیروی دریایی ورودش به فاز عملیاتی را اعلام و اندکی بعد کنگره بلافاصله آن را تعطیل کرد. در سال ۱۹۸۳ رونالد ریگان بار دیگر با اعلام «ابتکار دفاع استراتژیک» مباحثات دفاع موشکی را مطرح کرد. ریگان درصدد بود تا از طریق این موضوع، آمریکا را در برابر حملات هسته‌ای گسترده شوروی مصون نگاه دارد و موشک‌های بالستیک آن‌ها را ناتوان و ناکارآمد سازد (هادیان، هرمزی، ۱۳۹۰: ۵۳).

افزایش کشورهای دارای سلاح‌های موشکی بالستیک نشان از افزایش تهدیدات در جهان است. در چنین محیط آنارشی است که مسابقه تسلیحاتی شکل می‌گیرد و دقیقاً در چنین فضایی است کشوری که مسلح نیست منفعل خواهد بود. ملتی که انتخاب می‌کند مسلح نباشد، در ساختار نظام بین‌المللی که مهم‌ترین مظاهر آن مبارزه قدرت است، منفعل می‌شود و قدرت چانه‌زنی را از دست می‌دهد. در ایجاد رژیم‌ها یعنی در ایجاد اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری، ناتوان می‌شود (عسکرخانی، ۱۳۷۷: ۴۸). پس سامانه‌های دفاعی می‌توانند به‌عنوان یک نوع عامل اطمینان‌بخش به دولت‌ها در رسیدن به خواسته‌های دیپلماتیک و عاملی بازدارنده به حساب آیند. طبیعتاً در نبردها، هر کشوری که می‌توانست خود را با شرایط جدید جنگی و بر اساس توانایی تکنولوژی مدرن هماهنگ سازد در پیروزی در جنگ و تحمیل اراده خود بر دیگری موفق‌تر بود. تسلیحات با دقت بالا در حال به حداقل رساندن تلفات نیروهای خودی و به حداکثر رساندن تلفات دشمن هستند. ابزارها و روش‌های جدید جنگ مانند جنگ اطلاعاتی، جنگ شبکه محور<sup>۲</sup> فرماندهی و

<sup>1</sup> safe Guard

<sup>2</sup> Network-Centric

کنترل یکپارچه، آبرایانه‌ها، تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی منجر به شکل‌گیری انقلاب در امور نظامی شده‌اند. همه این‌ها ممکن است پارامترهای مربوط به امنیت ملی را دگرگون سازد (فرجی‌راد، صوفی، ۱۳۸۹: ۶۲).

"شلینگ"<sup>۱</sup> عقیده دارد موشک‌ها ابزار قدرت صدمه هستند به این معنی که با شلیک آن‌ها اهداف و منافع دشمن آسیب می‌بیند، اما توان نظامی او نابود نمی‌شود. به این ترتیب موشک‌ها دارای خواص اصلی یک استراتژی هسته‌ای هستند، مانند قدرت وارد کردن درد شدید و یا قدرت تخریب. به نظر شلینگ موشک‌ها با برخورداری از چنین خواصی دارای "خشونت نهفته"<sup>۲</sup> هستند و ابزار مناسبی برای بازدارندگی می‌باشند زیرا به این ترتیب می‌توانند رفتار دشمن را کنترل کنند. به این ترتیب یک موازنه وحشت شکل می‌گیرد و کشورها به منظور اجتناب از جنگ به دیپلماسی روی می‌آورند و موشک‌ها ابزار دیپلماسی می‌شوند. به نظر شلینگ به این ترتیب پیروزی در جنگ ممکن نیست اما کشورها باید به لزوم حفظ توانایی ضربه دوم واقف باشند و بهترین سلاح‌ها را خوب پنهان کنند تا برای ضربه دوم به کار روند. به نظر او ضربه دوم و قابلیت آن انگیزه اقدام به ضربه اول را از بین می‌برد (قوام ملکی ۱۳۹۰: ۱۰۹). وضعیت و هدف‌های سامانه دفاع موشکی در گونه‌های مختلف بازدارندگی با یکدیگر متمایز خواهد بود. در بازدارندگی متقابل، نقاط جمعیتی و تأسیسات هسته‌ای و صنعتی دشمن به عنوان نقاط هدف ارزیابی می‌شود. اما در بازدارندگی یک‌جانبه چالشگران منطقه‌ای مورد هدف می‌باشند و متحدان منطقه‌ای قدرت بزرگی است. در بازدارندگی شبکه‌ای، نقاط حساس و حیاتی، شبکه منطقه‌ای و محلی است و اما در بازدارندگی مثلثی متحدان منطقه‌ای مداخله‌گر، جزو نقاط هدف و آسیب‌پذیر به حساب می‌آیند (قاسمی، ۱۳۹۰ الف: ۲۰۶).

دور کردن خطر و رهایی از تهدید اولین گزینه‌ای است که واحدها در توجیه دست یافتن به تجهیزات موشکی و سیستم دفاع راهبردی و استراتژیک به آن متوسل می‌شوند در واقع سامانه‌های موشکی عاملی بسیار مهم در بازدارنده نگه‌داشتن و نامعتبر ساختن بروز و ظهور تهدید است. کشورهای "ناهمطراز"<sup>۳</sup> از جنس قدرت نظامی تلاش می‌کنند خود را در وضعیت متعادل‌تری در بازدارندگی منطقه‌ای نگه‌دارند و جایگاه مناسب‌تری از جهت استحکام با پایه‌های پولادین و بادوام در

<sup>1</sup> Wilhelm Schelling

<sup>2</sup> Latent violence

<sup>3</sup> Asymmetric

نظام منطقه‌ای برای خود بسازند. که با هر گردهادی به این طرف و آن طرف اصابت نکنند.

برخی از کارکردهای سامانه موشکی در بازدارندگی منطقه‌ای به شرح زیر می‌باشد:

۱- دستیابی به تأسیسات و نقاط حساس چالشگران منطقه‌ای و هدف‌گیری آن‌ها و در نتیجه، اعمال تهدید در شکل کنش راهبردی چالشگر و در نتیجه، اعمال تهدید در قالب تلافی گسترده یا پاسخ انعطاف‌پذیر علیه آن.

۲- دستیابی به نقاط راهبردی یعنی متحدان منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر توسط قدرت چالشگر منطقه‌ای (به منظور امکان‌پذیری بازدارندگی مثلی).

۳- معتبر ساختن بازدارندگی شبکه‌ای منطقه‌ای از طریق ممکن ساختن واپایش<sup>۱</sup> (کنترل) بر فرایندهای باز خورانی بین اجزای شبکه منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای (قاسمی، ۱۳۹۰ الف: ۲۰۴).

واقعیت‌هایی نیز در صحنه (منطقه‌ای) وجود دارد که بر تعاملات اثر می‌گذارد. مثل اینکه جوهر و مبنای نگرشی ما به مبانی امنیتی با دیگر کشورها و قدرت‌های منطقه متفاوت است. مبنای اصلی ما در نگرش مان به ترتیبات امنیتی یک مبنای ایدئولوژیک<sup>۲</sup> است و این امر ممکن است برای دیگر قدرت‌ها پذیرفته نشود. با توجه به وجود تضادها در سطح کشورهای منطقه، الگوی موازنه مناسب‌ترین الگو است زیرا در مدل موازنه ماهیت وجودی قدرت‌ها به رسمیت شناخته می‌شود و طرفین ظرفیت‌ها، قدرت و توان یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند. آنچه در این الگو ریشه تعامل است شوق به همزیستی مسالمت‌آمیز نیست بلکه نگرانی از فنا و تهدید متقابل است که عنصر اصلی این موضوع بازدارندگی است. بازدارندگی تمهید شرایط و ابزار است که بدون به‌کارگیری زور نظامی، دشمن را از ورود به عرصه نزاع منصرف کند.

سامانه‌های موشکی، در تلاقی دو نوع بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده اعمالی از سوی قدرت‌های مداخله‌گر و بازدارندگی مثلی اعمالی از سوی قدرت‌های منطقه‌ای تعریف خواهد شد. در این میان، بازدارندگی وضعیتی نخواهد بود که واحدها به گونه داوطلبانه خود را در آن محبوس نمایند. در حقیقت می‌توان بازدارندگی را به قفسی تشبیه نمود، که واحدها در آن گرفتار خواهند شد. بنابراین به دنبال راه و روش‌هایی خواهند بود، که از این وضعیت رهایی یابند. پس می‌توان بازدارندگی را وضعیتی ناپایدار تصور نمود، که هر لحظه احتمال فروپاشی آن وجود دارد. سامانه‌های

<sup>1</sup> Control

<sup>2</sup> Ideologica

دفاع راهبردی موشکی از جمله سامانه‌هایی است که واحدها برای رهایی از تهدیدهای مندرج در بازدارندگی به آن متوسل می‌شوند. (قاسمی، ۱۳۹۰ الف: ۲۰۴).

### راهبرد سامانه‌های موشکی آمریکا

طرفداران طرح سامانه‌های موشکی برآنند که جهان پس از جنگ سرد خطرناک‌تر است، زیرا پیش‌بینی پذیری در آن کمتر شده است. علت آن را نیز باید در ظهور چالشگران جدید علیه امنیت آمریکا جستجو کرد (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۵). در این راستا سیاست راهبردی آمریکا در ایجاد امنیت فزاینده از مرزهای آن کشور تعریف شده است که با اصول حفاظتی و نظامی و در قالب پوششی و چندلایه در یک صحنه نبرد هم‌خوانی دارد.

درواقع "دنیای آمریکا به‌مثابه یک صحنه نبرد است" صحنه نبرد محصور و محدود و دارای ژئوپلیتیک خاصی است، که به‌راحتی می‌توان بر اساس موقعیت صحنه نبرد و بازیگران آن، برنامه‌ای مدون از دفاع و تهاجم و سازوکارهای آن تعریف نمود. سامانه‌های موشکی آمریکا در این صحنه نبرد به‌عنوان حافظ منافع آن کشور بر اساس موقعیت جغرافیایی و امکانات و نوع تهدیدات منطقه‌ای و با روش انطباقی سامان می‌گیرند. و طبعاً کشورهای منطقه نیز به دنبال عکس‌العمل‌های متمرثر خواهند بود.

چنان‌که سپهد پاتریک جی. او. ریلی مدیر آژانس دفاع موشکی آمریکا معتقد است: تهدید موشک بالستیک هم از نظر اندازه و هم از نظر پیچیدگی در حال افزایش است. روند کنونی نشان می‌دهد که سیستم‌های موشک بالستیک دشمن، با فناوری‌های سوخت مایع و جامد پیشرفته‌ی موشک، روان‌تر، پابرجا، قابل اعتماد، درست و قادر به پرواز در مسافت‌های بیشتر می‌شوند..... از نظر فرماندهان نظامی تهدید روزافزون دفاع موشکی بالستیک گزینه‌های نظامی را کاهش می‌دهد و توان نظامی ایالات متحده و قدرت‌های نظامی منطقه را به خطر می‌اندازد (j.o Reilly, 2011:1) روند کنونی جهان نشان می‌دهد که سیستم‌های موشکی بالستیک، در حال انعطاف‌پذیرتر شدن، روان‌تر شدن، ماندگارتر شدن و قابل اعتماد و دقیق بودن می‌باشند درحالی‌که محدوده کاربرد آن در حال افزایش می‌باشد. تعدادی از کشورها در حال تلاش برای افزایش حفاظت در برابر موشک‌های بالستیک و حمله به آن قبل از شروع به شلیک و تلاش برای افزایش اثربخشی خود در دفاع موشکی هستند (2010: A. Rose 2). به‌طور کلی آرایش سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا در این صحنه نبرد بر چند حوزه

متمرکز است که مرکزیت اصلی آن را می‌توان سیستم دفاع موشکی اروپا<sup>۱</sup> در نظر گرفت. در ارزیابی آمریکا، کشورهای هدف عبارت‌اند از: ۱- حوزه اروپا کنترل روسیه ۲- حوزه خاورمیانه کنترل ایران ۳- حوزه آسیا کنترل چین و کره شمالی، که در سیستم نهایی در واقع حوزه‌های ۲ و ۳ پوشش‌دهنده سیستم دفاع موشکی اروپا می‌باشند. و ترکیبی از این ۳ حوزه، همان دفاع چندلایه برای حفاظت از خاک آمریکا است.

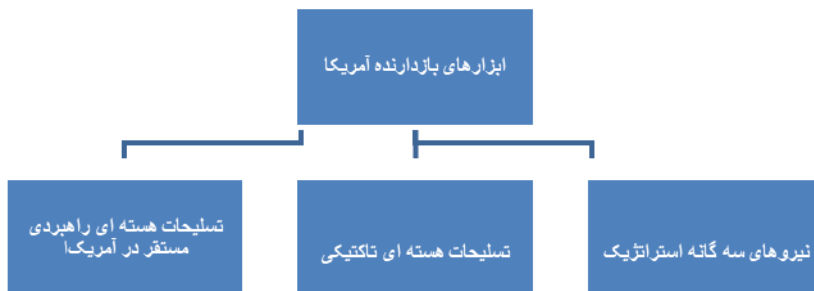
اصولاً قدرت بازدارنده آمریکا شامل ترکیب سه ابزار می‌شود که عبارت‌اند از:

۱- نیروهای سه‌گانه استراتژیک (موشک، زیردریایی، و بمب‌افکن‌های استراتژیک).

۲- تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی مستقر در مناطق هدف.

۳- تسلیحات هسته‌ای راهبردی مستقر در آمریکا (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۱۲۲). که به‌طور خلاصه در

قالب شکل زیر ارائه شده است:



ابزارهای بازدارنده آمریکا

### تبیین تأثیرات سامانه‌های موشکی آمریکا بر امنیت نظامی ج.ا.

از محیط امنیتی جهان امروز، روابط بین‌الملل، طبیعت سیاسی نظام جمهوری اسلامی و ارزیابی جایگاه ایران در روابط بین‌الملل چنین برمی‌آید که امکان مشارکت ایران در یک پیمان امنیتی ۲ منطقه‌ای یا عضویت در یک اتحاد نظامی وجود ندارد، زیرا عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نظام‌های امنیتی و یا اتحاد‌های نظامی به‌منظور دستیابی به قدرت مکمل، تقویت قدرت دفاعی و دستیابی به توازن قوا عبارت‌اند از: ۱- درک مشترک دولت‌های عضو از تهدیدات خارجی (اعتقاد به یک تهدید مشترک بین دول عضو). ۲- وجود منافع امنیتی، اقتصادی و سیاسی مشترک. ۳- وجود فرهنگ و مواضع سیاسی واحد.

۱- EBMD

۲ Security treaty

آنچه بیشترین عامل برهم زنده صلح و ثبات در منطقه خاص غرب آسیا می‌باشد در واقع حضور "مهمان ناخوانده تعیین‌کننده" است، که از آن تعبیر به "کشور درازدست" می‌شود چنین الگوی رفتاری که گاه‌گاه در تعارض با برخی سیاست‌ها و واحدهای منطقه‌ای می‌باشد، مثل حضور قدرت مداخله‌گر و نوع بازی آن با برخی کشورهای منطقه که بازی با حاصل جمع جبری صفر است. مثل بازی ایران و آمریکا و یا سوریه و آمریکا. در این میان عاملی که برهم زنده صلح و ثبات در منطقه است اهداف و استراتژی‌های راهبردی چنین قدرت مداخله‌گری است که در واقع قصد دارد، کشورهای معارض را در انزوا قرار داده و از قدرت‌گیری آن‌ها جلوگیری نموده و شبکه امنیتی مناسب سیاست خود بنا کند. حفظ ثبات و امنیت خلیج‌فارس و جریان عادی منابع انرژی آن به خارج، از اولویت‌های امنیت ملی ایالات متحده در آینده خواهند بود. از این رو، آمریکا سعی می‌کند با تقویت سامانه‌های نظامی خود به‌ویژه موشکی، ایجاد «گفتمان امنیتی خلیج‌فارس» و همچنین افزایش فروش تسلیحاتی به کشورهای منطقه، به منافع خود جامه عمل بپوشاند (کاردان، ۱۳۸۹: ۱۰)، اما تاکنون موفق به ایجاد این کار نشده است. ورود سامانه‌های موشکی قدرت مداخله‌گر به منطقه نه تنها کمکی به حل معمای امنیت منطقه نمی‌کند بلکه به فضای امنیتی بیشتر دامن می‌زند. در نتیجه ایران و به تبع آن نیروهای مسلح به‌عنوان حافظان امنیت انقلاب اسلامی نیز چاره‌ای ندارند جز اینکه به افزایش توانایی دفاع موشکی خود بیاورند. سیر آزمایش‌های موشکی موفق کوتاه برد، میان برد و دوربرد ایران همواره موجب نگرانی بلوک غرب بوده، و همواره اذعان می‌دارند که تا سال‌های آتی ایران به قابلیت‌های موشکی بالستیک قاره‌پیما دسترسی پیدا خواهد کرد همین امر در واقع یک نوع بازدارندگی تلقی می‌شود. بازدارندگی ایران به‌صورت زنجیره‌ای از چند مرحله تشکیل شده است: ۱- دستیابی به تجهیزات نوین ۲- دستیابی به شیوه نبرد نامتقارن ۳- ارتباط زنجیره‌ای با گروه‌های مبارز اعتقادی منطقه و استفاده از آن‌ها در شرایط بحرانی ۴- تهدید منافع در تیررس (رژیم صهیونیستی) با تسلیحات دوربرد دقیق که منجر به بازدارندگی مثلثی خواهد شد. ۵- از همه مهم‌تر تجربیات اندوخته شده ۸ سال دفاع مقدس و ابتکار عمل در پیروزی‌هایی که از شیوه‌های مبتکرانه‌ای استفاده می‌شد که دشمن فکرش را نمی‌کرد. ۶- توانایی ساخت انواع موشک‌های بالستیک در جهت ایجاد سامانه‌های موشکی و رزمایش‌های موشکی به‌موقع (شناخت به‌موقع فرصت‌ها و تهدیدها). با توجه به معادله دفاع-تهاجم ایران، ساخت کلی سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی از نوع "دفاعی" است. در این راستا و بر پایه الزامات تئوریک، ایران سه نوع بازی دفاعی در اختیار خواهد داشت:

۱- استراتژی بازدارندگی متعارف دفاعی

۲- بازدارندگی غیرمستقیم

۳- بازدارندگی شبکه‌ای

در حوزه بازدارندگی، سیستم متعارف دفاعی ایران به چند دلیل دارای مزیت خواهد بود:

۱- عناصر موجود در معادله دفاع-تهاجم تشویق‌کننده دفاع است.

۲- محیط خارجی ایران ناآرام بوده و افزایش سطح تنش در این محیط مطلوب ایران نخواهد بود.

۳- ساخت جغرافیایی و نقشه ژئوپلیتیکی ایران از جمله ترکیب کوه‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها و غیره به‌گونه‌ای است که ایران را دفاع‌پذیر نموده و به همین سبب با هزینه بسیار کمتر از تهاجم می‌تواند محیط امنیتی خود را به‌صورت مطلوب حفظ کند.

۴- ساخت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای است که بیشتر ویژگی دفاعی دارد.

۵- سیستم بازدارندگی مثالی، دومین سیستم مطلوب دفاعی است. اصولاً یکی از سیستم‌های بازدارندگی منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر، بهره‌گیری از سیستم بازدارندگی گسترده و یک‌جانبه است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۸۰).

در این رابطه «فرانک. ای. رز» قائم‌مقام وزیر کمیته تحقیق، تطبیق و اجرای دفاع موشکی آمریکا که در اولین کنفرانس دفاع موشکی بالستیک چندملیتی در اسرائیل در پنجم ماه می ۲۰۱۰ سخنرانی می‌کرد در اظهارنظری بر اساس سیاست همکاری دوجانبه با اسرائیل ضمن حمایت از رژیم صهیونیستی، همکاری دفاع موشکی با این کشور را از ضروریات منافع فوری آمریکا برمی‌شمرد و در ادامه این‌گونه می‌گوید: ایران برای حمله به نیروهای مستقر، متحدان و دوستان در غرب آسیا و اروپای جنوبی، توانایی دفاع موشک بالستیک را کسب کرده و گسترش داده است. تعداد زیادی از موشک‌های بالستیک منطقه معرفی شده و ادعا می‌شود که تاکتیک‌های ضد دفاع موشکی و امکاناتی برای مقابله با نیروهای مستقر موشکی خودش به‌کاربرده است. ایران همچنین یک پرتاب موشک بالستیک با برد متوسط ۲۰۰۰ کیلومتری با سوخت جامد داشته است. احتمالاً بر روی افزایش بُرد موشک‌های بالستیک با برد کوتاه (SRBM) کار می‌شود (A. Roze, 2010: 4). اما از نقطه‌نظر جمهوری اسلامی، نفوذ و استقرار سامانه‌های موشکی وارداتی عامل برهم زنده نظم و توازن قدرت در منطقه غرب آسیاست. اما کشورهایی که قدشان نمی‌رسد و سعی می‌کنند از حد خود عدول کنند و با پریدن و آویزان شدن به شاخه درخت بزرگ‌تر تلاش می‌کنند تا از طرف دیگران دیده شوند با

اشتیاق فراوان پذیرای این نوع سامانه‌ها می‌باشند و آن را عامل تأثیرگذار در ثبات و امنیت خود و منطقه می‌دانند. با توجه به همه ابعاد می‌توان به قطعیت گفت که در سالیان گذشته قدرت دفاعی ج.ا.ا. به‌ویژه سامانه‌های موشکی تأثیر بسیاری بر امنیت منطقه‌ای ایران گذاشته است و حتی باعث گردیده در حوزه روابط بین‌الملل برخی دیدگاه‌های تازه‌ای در برابر گفتمان با ایران گشوده گردد.

### تجزیه و تحلیل محیط تحقیق

حضور مستقیم ایالات متحده در غرب آسیا و ایجاد توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه با برخی کشورهای منطقه، باعث شد تا امنیت کشورهای متحد آمریکا در منطقه عملاً به دست کاخ سفید بیافتد و از این زمان بازیگری قدرت در سطح منطقه دست‌به‌دست گردید. به همین دلیل برخی از کشورها نیز همچون عربستان، ترکیه و اسرائیل که به‌عنوان اصلی‌ترین رقبای ایران در منطقه غرب آسیا به‌حساب می‌آیند، با درخواست و افزایش تجهیزات نظامی بروز شده و نوین تلاش می‌کنند تا کفه ترازوی قدرت را به نفع خود ثابت نگه‌دارند و از میزان نقش و تأثیرگذاری ایران در منطقه بکاهند. از این رو، ایران سعی می‌کند به‌عنوان قدرت منطقه‌ای، شکاف‌های موازنه قدرت را با تجهیز به سامانه‌های دفاع موشکی در غرب آسیا به نفع خود پرکند. الگوی مهار و محدودسازی استراتژیک به‌عنوان شکلی از بازدارندگی اقتصادی، حقوقی و صنعتی محسوب می‌شود. کشورهای جهان غرب به موازات فعالیت‌های سیاسی تلاش دارند تا محدودیت‌های استراتژیک را برای ایران اعمال نمایند. (متقی، ۱۳۸۸: ۱۹). توانمندی‌های موشکی به‌عنوان یکی از عناصر اصلی دفاعی در سیاست‌های راهبردی-دفاعی جمهوری اسلامی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأمین امنیت نظامی کشور به‌شمار می‌آید.

مفهوم اصلی "امنیت ملی" برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهاست. پس امنیت ملی یک کشور در درجه اول به معنای تأمین شرایطی است که کشور را از تعرض دیگران به استقلال سیاسی، ارزش‌های فرهنگی و رفاه اقتصادی دور نگه‌دارد. (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۸). آنچه مسلم است این‌که تأمین امنیت امری مطلق و قطعی نیست و ناامنی به اشکال مختلف وجود دارد. یافتن امنیت نسبی از دو راه امکان‌پذیر است:

- ۱) کاهش آسیب‌پذیری و ضعف که به "استراتژی امنیت ملی" تعبیر می‌شود؛
- ۲) کوشش برای از بین بردن یا کاهش تهدیدهای امنیتی که اصطلاحاً "استراتژی امنیت

بین‌المللی" خوانده می‌شود (لطفیان، ۱۳۸۶: ۷۳).

با توجه به تعریف امنیت ملی و همچنین پرمخاطره بودن منطقه غرب آسیا که بیشترین دریافت‌کننده تسلیحات نظامی در جهان نیز می‌باشد، لازم است ج.ا.ا از شیوه‌های جدید و ترکیبی در راستای حفظ بقای خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای استفاده نماید. تجربه هشت سال دفاع مقدس، به‌عنوان یک تجربه اتکاپذیر برای ایران، این درس سرنوشت‌ساز را داشته است که برای دفاع و امنیت خود نمی‌تواند به هیچ قدرت، قاعده و اصل یا نهادی خارج از توانایی خود اتکا کند و این خوداتکایی امنیتی بخش تعیین‌کننده فرهنگ دفاعی ایران شده است. ایران در این محیط خطرناک و با توجه به فرهنگ دفاعی، امنیت خود را بر مبنای بازدارندگی قرار داده است. ویژگی‌های تکنولوژیک موشک‌ها نیز نقش اصلی را در رویکرد بازدارنده ایران بر عهده‌دارند. دستیابی به قدرت موشکی در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. جنگ عراق علیه ایران و جنگ اول خلیج فارس نشان داد که محدودیت‌های موجود در معاهدات بین‌المللی در زمینه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و منع استفاده از ابزارهای نظامی علیه شهروندان غیرنظامی مانع از استفاده عراق از این سلاح‌ها نشده و جامعه بین‌المللی نیز اقدامی جدی در این زمینه انجام نداده است. افزون بر این، جنگ‌ها نقش بسیار بالایی موشک‌ها را در نبردهای آینده نشان دادند. با توجه به انتخاب بازدارندگی به‌عنوان راهبرد اصلی دفاعی لازم است فرآیند نوسازی، مدرنیته و همچنین نهادینه کردن برخی از علوم همچون موشکی همواره باید مورد توجه قرار گیرد.

### نتیجه‌گیری

موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی اکثر کشورهای غرب آسیا به‌هیچ‌وجه قابل قیاس با موقعیت استراتژیکی ج.ا.ا نمی‌باشد. خرید چند برابر تجهیزات پیشرفته نظامی کشورهای غرب آسیا و صرف هزینه‌های زیاد برای نگهداری به‌عنوان «پرستیژ» امری رایج شده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با تغییر نگرش در روابط با ایالات متحده آمریکا، این کشور اقدام به گسترش توان نظامی به‌ویژه های سامانه‌های موشکی خود در منطقه نمود، همچنین با توجه به وسعت سرزمینی، ژئوپلیتیک متفاوت، همسایگان متعدد و گروه‌ها و دشمنان حاضر در مجاورت کشور، لزوم توانایی انجام فعالیت‌های دفاعی به‌صورت پدافندی برای تأمین امنیت ملی و استقلال سیاسی لازم و ضروری به نظر می‌رسید. در نظم جدید بعد از فروپاشی شوروی، بیشتر کشورها از جمله ایران با فرصت‌ها و

تهدیداتی نوین مواجه شده‌اند که در پاسخ به آن‌ها راهبرد دفاعی - امنیتی متفاوتی اتخاذ نمودند. بعد از انقلاب به‌ویژه طی جنگ تحمیلی تلاش‌های مهمی برای افزایش توان دفاعی و برنامه‌های نظامی انجام شد که مهم‌ترین محور این تلاش‌ها، دستیابی به فن‌آوری دفاع موشکی بود. از آنجاکه امروزه توانمندی موشکی و سامانه‌های دور ایستا، اصل اساسی کشورها به‌ویژه آمریکا در راهبرد نظامی است توجه ایران به افزایش قابلیت‌های دفاع موشکی خود در راستای افزایش توان و گستره بازدارندگی دفاعی، امری بدیهی محسوب می‌شود؛ زیرا ایران یکی از مجهزترین کشورهای دارای فناوری موشکی در سطح جهان است که این توان ملی در سطح منطقه منحصربه‌فرد بوده و از مبانی اصلی بازدارندگی در دکترین دفاعی کشور است. روند روبه‌پیشرفت ایران در توسعه ظرفیت‌های فضایی، منجر به توسعه توان بومی کشور در تولید موشک‌هایی با قابلیت‌های دفاعی بهتر شده و نیاز کشور به فناوری‌های وارداتی را کاهش داده است. همچنین تقویت توان نظامی نیروهای مسلح کشور از طریق یکسان و یکپارچه‌سازی سامانه‌های موجود در فضا و توسعه توانایی موشک‌های ضد ماهواره‌ای برای ایجاد اختلال در سیستم‌های ارتباطی دشمنان در جهت توسعه سیاست دفاعی ایران باعث افزایش قابلیت بازدارندگی کشور به خارج از مرزهای جغرافیایی شده و توان نیروی دفاعی در پاسخ به حملات و تهدیدات در ورای سرزمین‌های ایران را نیز امکان‌پذیر کرده است. بر این اساس، این امکان برای ایران فراهم می‌شود تا اهداف را در بعدی گسترده‌تر پوشش دهد و بنابراین دامنه راهبرد دفاعی - امنیتی ایران گسترش یافته و علاوه بر تهدیدات منطقه‌ای، دفع تهدیدات فرا منطقه‌ای و فرا سرزمینی نیز محقق شده است. می‌توان اهداف ایران از تلاش برای توانمندی موشکی در جهت تقویت بازدارندگی را، گسترش نفوذ و تعامل در بین کشورهای منطقه و جهان، ایجاد تقویت حاکمیتی در منطقه، از بین بردن نفوذ آمریکا در منطقه، جلوگیری از سلطه و جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی و همچنین تغییر در معادله قدرت دانست که مهم‌ترین بعد آن تقویت روابط بین‌المللی و گسترش توان بازدارندگی دفاعی به خارج از مرزهاست. ارتقای توان موشکی از بعد غیرنظامی هم باعث توسعه راهبرد دفاعی - امنیتی ایران خواهد شد؛ موشک‌های بالستیک بهترین وسیله برای حمل، ماهواره و آزمایش‌های تحقیقاتی برای قرار دادن ماهواره‌ها در مدار زمین و سفر به کرات آسمانی هستند که این توانایی به‌نوبه خود در بی‌نیازی کشور از فناوری‌های خارجی مؤثر است و باعث تقویت استقلال داخلی و افزایش قابلیت‌های دفاعی کشور خواهد شد. برای عملکرد تاکتیکی و تکنیکی موشک، بهبود برد، افزایش دقت، قابلیت نفوذ و برای بهبود هر یک از شاخصه‌ها به

قابلیت‌های چشمگیر فنی و منابع مالی برای پشتیبانی از آنها نیاز است. عبور از مشکلات بهبود توانمندی برد و دقت پرتاب موشک‌ها آسان نیست و نیازمند هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بسیاری است که ایران در مسیر توسعه موشک‌های خود با آنها مواجه است. قدرت نظامی و رویکرد به تأمین ابزار قدرت، پیش شرط استقلال و امنیت و توسعه هر کشوری به شمار می‌رود. داشتن تسلیحات مناسب و کافی، یک جزء حیاتی اقتدار دفاعی و یک ضرورت حتمی برای اعتبار بازدارندگی است. دور کردن خطر و رهایی از تهدید اولین گزینه‌ای است که ج.ا.ا در توجیه دست یافتن به تجهیزات موشکی و سیستم دفاع راهبردی و استراتژیک به آن متوسل می‌شود.

## منابع

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و پیرانخو، سحر (۱۳۹۶). تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی-امنیتی ج.ا.ا، راهبرد، ۸۳، ۵۱-۷۴.
- امیری، سروش (۱۳۹۷). نسبت دگرگونی‌های منطقه غرب آسیا با امنیت ملی ج.ا.ا، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۲۷.
- بختیاری، حسین؛ صالح نیا، علی (۱۳۹۷). اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی ج.ا.ا با روش تحلیل سلسله مراتبی، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸ (۲۷).
- بهرامی، محمد (۱۳۹۰). معادلات امنیتی منطقه در پرتو استقرار سپر دفاع موشکی در ترکیه، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC، دیپلماسی صلح عادلانه.
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۱). جایگاه بازاندگی متعارف در استراتژی دفاعی دولت باراک اوباما در قبال ج.ا.ا. ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۸ (۱)، ۱۴۲-۱۱۷.
- داود اغلو، احمد (۱۳۹۱). عمق راهبردی، ترجمه محمد حسین نوحی نژاد ممقانی، تهران، امیرکبیر. دیوید. ای لیک؛ پاتریک. ام مورگان (۱۳۸۱). نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت‌سازی در جهانی نوین، ترجمه سید جلال دهقانی فیروز آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۲). مسائل نظامی و استراتژی معاصر، تهران، دانشگاه تهران.
- زینالی آق‌قلعه، فرزاد (۱۳۸۷). رقابت تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس، باشگاه اندیشه به نقل از روزنامه جام جم، ۶/۷/۱۳۸۷.
- سلامی، حسین (۱۳۹۲). همایش سوریه سنگر مقاومت، خبرگزاری فارس ۱۳/۶/۱۳۹۲.
- سوادکوهی فر، ساسان و خیراندیش، محمدرضا (۱۳۹۰). ملاحظات دفاع غیرعامل در طراحی سایت موشکی و سکوی پرتاب سیلویی زمین‌پایه (مینوتنم و ساتان)، پدافند غیرعامل، ۲ (۴)، ۳۸-۲۵.
- سیف زاده، حسین (۱۳۶۸). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران، نشر سفیر.
- علائی، حسین (۱۳۹۱). تحولات نظامی-استراتژیک در منطقه و تأثیر آن بر مناسبات ایران و ترکیه، سایت دیپلماسی ایرانی.
- عسکرخانی، ابومحمد (۱۳۷۷). سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای، سیاست دفاعی، ۲۵.

- فرجی راد، عبدالرضا، صوفی، اصغر (۱۳۸۹). تحولات استراتژیک، تکنولوژی اطلاعاتی و انقلاب در امور نظامی آمریکا، [www.sid.ir](http://www.sid.ir)
- فروغی‌نیا، حسین (۱۳۸۲). خلیج فارس: چالش‌های سیاسی و نظامی و پدیده ناامنی منطقه‌ای، مطالعات غرب آسیا، ۱۰(۴)، ۱۰۵-۱۲۲.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰ الف). پیامدهای منطقه‌ای شدن و گسترش سامانه‌های موشکی راهبردی بر بازدارندگی در نظم جهانی نوین، راهبردی دفاعی، ۹(۳۴).
- قوام ملکی، حمیدرضا (۱۳۹۰). نقش موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی ج.ا.ا، ره نامه سیاستگذاری، ۳(۲).
- صائبی، محمد (۱۳۷۶). مدیریت استراتژیک، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- کاردان، عباس (۱۳۸۹). رویکردهای دفاعی آمریکا در خلیج فارس، اطلاعات راهبردی، ۸(۹۲).
- کانیز، جان. ام (۱۳۷۳). استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کورش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۰). تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها، سیاست دفاعی، ۳۴.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۷۵). جنگ‌افزارهای مدرن و منازعات منطقه‌ای، پیامدهای استراتژیک موشک بالستیک برای غرب آسیا، راهبرد، ۳(۱۲)، ۳۷-۵۸.
- کوردسمن، آنتونی (۱۳۸۲). موازنه نظامی در خلیج فارس و غرب آسیا، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ندسا) با همکاری مجید خسروی، تهران سایه‌روشن.
- لطفیان، سعیده (۱۳۸۱). جنگ افزارهای کشتار جنگی و کنترل تسلیحات در غرب آسیا، روابط خارجی، ۱(۱)، ۱۸۹-۲۲۶.
- نبوی، سید عبدالامیر و انپری، سجاد (۱۳۹۲). تبیین تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تأثیر حزب الله لبنان بر کاهش این تهدیدات علیه ایران، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۵(۱۷).
- هادیان، ناصر و هرمزی، شانی (۱۳۹۰). نقش سیستم دفاع موشکی در ایجاد بازدارندگی هسته‌ای؛ بررسی رفتار امنیتی-نظامی ایران، روابط خارجی، ۳(۳)، ۷۴-۴۹.

Stockholm International Peace Research Institute (April 2016), Recent trends in military expenditure

